

بنیان‌های اخلاقی پیریزی الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی

❖ دکتر سیدحمید مولانا

استاد و صاحب‌نظر علوم ارتباطات و روابط بین‌الملل



اشاره

تردید نباید کرد که از جمله چالش‌ها و مشکلات اصلی جامعه حال حاضر ما، فقدان الگو و مدلی مناسب برای مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی چون رادیو و تلویزیون منطبق با اهداف و مبانی انقلاب، جامعه و نظام گران‌سنگ اسلامی ماست. فقدان تبیین دقیق مرزهای سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اخلاقی فعالیت مطبوعات و دیگر رسانه‌ها، مطابق با الگوی اسلامی و بومی، موجب آسیب‌پذیری جامعه اسلامی ما شده است. از آنجا که علوم اجتماعی و به‌طور خاص علم ارتباطات، علمی به‌طور عمده ساخته و پرداخته اندیشمندان و متفکران سکولار در جهان غرب‌اند، ناگزیر تأثیرپذیر از آموزه‌ها، مبانی، ارزش‌ها و هنجارهای آن دیار هستند؛ از طرف دیگر، انقلاب اسلامی، انقلابی فرهنگی و معنوی است که هدف اصلی خود را تعالی و رشد معنوی جامعه انسانی می‌داند. امروزه تعارض بنیادین میان دو الگوی متفاوت دینی و سکولار از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در علوم اجتماعی، بیش از همه در عرصه‌های فرهنگ اجتماعی، مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی رخ نموده است. بی‌تردید، آشفتگی‌ها و بحران‌های سیاسی و رسانه‌ای سال‌های نه‌چندان دور در جامعه ما، بدون ارتباط و پیوند با این مسئله نیست. مسائلی همچون: حدود آزادی‌های رسانه‌ای، ضرورت یا فقدان ضرورت وجود خط قرمز در فعالیت‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای، حقوق مطبوعات و رسانه‌ها و دیگر مسائلی از این‌دست از دیدگاه بومی، ایرانی و اسلامی از جمله مباحثی است که نیاز به بررسی و تبیین افزون‌تری دارد. آنچه در پیش رو دارید، گفتاری از مجموعه گفتارهای دکتر سیدحمید مولانا، استاد و صاحب‌نظر علوم ارتباطات و روابط بین‌الملل، است که در سال ۱۳۸۲ از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در کتابی با عنوان الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی به چاپ رسیده است. گرچه نزدیک به هفت سال از زمان انتشار چنین کتابی می‌گذرد، اما همچنان دربردارنده نگاهی بدیع و درخور توجه به سپهر رسانه‌ای جامعه ماست؛ نگاهی که امروز بیش از دیروز، نیازمند تأمل و توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان رسانه‌ای و فرهنگی در ایران امروز و فرداست.

مقاله

اطلاعات و ارتباطات رگ‌های حیاتی هر نظام هستند. در اجتماعات پیچیده امروزی، مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی قسمتی مهم از این نقش را ایفا می‌کنند. در هر نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید روزنامه، نشریات و رسانه‌هایی وجود داشته باشند که اعضای آن جامعه، وجود و مطالعه آن را در زندگی و همچنین کار و تصمیمات خود، مفید و ضروری بدانند، نه آنکه چنین مطبوعات و رسانه‌هایی در سطح اطلاعات و دانایی روزانه آنها فرقی نداشته باشند. پرسش مهم آن است که آیا چنین روزنامه‌ها، نشریات و رسانه‌هایی در یک نظام اسلامی برای امت اسلامی وجود دارند یا نه؟ چارچوب اسلامی چنین مطبوعات و رسانه‌هایی چه باید باشد؟

اگر چنین پرسش‌هایی پی‌گیری و دنبال نشوند و به تغییرات اساسی در جهان‌بینی مطبوعات امت اسلامی نینجامند، تأثیری در سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی نخواهند داشت.

در اینجا سعی می‌شود، تعدادی از مفاهیم اسلامی را که باید پایه مطبوعات و رسانه‌های اسلامی باشند، بیان کنیم: اولین و اساسی‌ترین بنبش در مورد انسان و جهان در اسلام تئوری یا نظریه «توحید» است که بر وحدت و هماهنگی میان همه قسمت‌های جهان دلالت دارد. با نظریه توحید، یکی از اساسی‌ترین پایه‌های اخلاقی مطبوعات و روزنامه‌نگاری به وجود می‌آید؛ مقصود خلقت، آزادی و رهایی نوع بشر از قید بندگی غیر خدا و ستایش خداوند است. این مشخص می‌کند که بندگی فقط باید در مقابل خداوند باشد و هرگونه ارتباطات و پیام‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی را نفی می‌کند. اصل توحید همچنین هر حق حاکمیت و قیمومیت را به غیر از خداوند بر جامعه انسانی نفی می‌کند. فقط وقتی که امور در جامعه را یک قدرت مافوق بشری به یک فرد یا شورایی از حکام، با قدرتی متناسب با مسئولیت‌ها، در چارچوب قوانین اسلامی واگذار کند، می‌توان انتظار داشت که جامعه از همه انحرافات و افراط و تفریط‌ها آزاد باشد.

بنابراین، کلیه مجموعه قوانین اخلاقی ساخت بشر که به غیر از قوانین خداوند باشد، یاوه و ناحق هستند.

به همین دلیل، همه قوانین ساخت بشر، مفاد ارتباطات، رسانه‌های جمعی و مجامع عمومی که مانع حاکمیت الله شوند، باطل هستند.

بدین ترتیب، مفهوم توحید- اگر به آن عمل شود- راهنمای اساسی در تعیین مرزهای مشروعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای یک سیستم ارتباطی معین فراهم می‌آورد. پس مفهوم اخلاق مطبوعاتی و رسانه‌ای نباید برای ایجاد بت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد و همچنین آنها اجازه ندارند که تشویق‌کننده هوس و جنون شخصیت باشند.

با توجه به اصل توحید و موضوع اخلاق، اساس دیگری در اخلاق مطبوعاتی روشن می‌گردد که آن، از بین بردن ساختمان‌های فکری است که بر اساس ثنوی پرستی یا شرک، نژادپرستی، قبیله‌گرایی یا برتری خانوادگی باشند. بر طبق این اصل، وظیفه نظام ارتباطات در جامعه اسلامی، شکستن بت‌ها، گسستن وابستگی به خارجی‌ان و به حرکت درآوردن امت یا جامعه به سوی آینده است. یکی از مهم‌ترین وظایف مطبوعات و رسانه‌ها از بین بردن افسانه‌هاست. در جهان معاصر ما، این افسانه‌ها احتمالاً شامل پدیده‌های وارداتی «قدرت»، «ترقی» و «مدرنیزه کردن» بی‌حد و حساب هستند. شخصیت‌هایی که نماینده اینها هستند، نباید مافوق بشر و مافوق آنچه هستند، تعریف شوند. بر طبق این اصل، یکی از این ثنوی پرستی‌ها یا شرک‌ها، عقیده به جدایی مذهب و سیاست است که عقیده‌ای مادی‌گرایانه است. اصل توحید همچنین مستلزم عدم هرگونه مرکز اقتصادی، سیاسی، فکری یا مراکز دیگر، از جمله رسانه‌های جمعی- که در آن قدرت بتواند متراکم شود- است. بنابراین، وقتی جوابگویی اجتماعی برای فرد و نهادها وجود نداشته باشد، آزادی‌های بیان، اجتماع و وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات معنی ندارد. جنگ علیه شخصیت و هوس هر نهاد اجتماعی که به آن متصل باشد، جنگی علیه سیستم ارتباطی‌ای است که سعی در تبلیغ آن دارد.

دومین اصل هدایت‌کننده مرزهای اخلاق مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری در اسلام، اصل عقیدتی «امر به معروف و نهی از منکر» است. در این اصل به‌طور ضمنی و آشکار، اعتقاد به مسئولیت فردی و اجتماعی، در آماده‌ساختن نسل آینده، برای پذیرفتن احکام اسلامی و عمل کردن به آنها وجود دارد. مسلمانان مسئول هدایت کردن یکدیگرند. هر نسل مسئولیت دارد که نسل بعدی را هدایت کند. در آیه ۱۲۵ از سوره نحل **قرآن مجید** این امر تشریح شده است: **أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ**

الْحَسَنَةَ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
 أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.
 (خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه
 خدا دعوت کن و با بهترین طریق با آنها مناظره
 کن که البته خدا [عاقبت حال] کسی که از راه او
 گمراه شده و آن که هدایت یافته بهتر می‌داند.)
 این آیه به مسئولیت‌های مسلمانان در
 هدایت‌کردن یکدیگر - به‌ویژه آن افراد و
 مؤسساتی که مسئولیت‌های رهبری و تبلیغ و
 اطلاعاتی آرمان‌های اسلامی را به‌عهده دارند -
 اشاره می‌کند. این شامل همه نهادهای ارتباطات
 جمعی از قبیل مطبوعات، رادیو، تلویزیون و
 سینما و همچنین تک‌تک افراد هر جامعه است.
 بنابراین، یک مفهوم مخصوص تئوری
 مسئولیت اجتماعی، درباره اصل عقیدتی و
 اخلاقی «امر به معروف و نهی از منکر» ترسیم
 می‌شود. این مفهوم در جوامع اسلامی از طریق
 تاریخ بعدی مخصوص به‌خود یافته است. اسلام
 به‌عنوان یک مذهب باقاعده و دربرگیرنده همه،
 مجموعه‌ای از عقاید و واقعیت‌های وابسته به
 هم است که کل محیط عمل و اندیشه، عقاید
 و رفتار، افکار، سخن و کردار انسان را شامل
 می‌شود؛ به‌ویژه در پرتو این حقیقت حائز اهمیت
 است که اسلام مانند بسیاری از مذاهب دیگر
 نیست که فقط عبارت از یک سری موضوعات
 وابسته به علوم الهی باشد. اسلام عبارت از
 مجموعه چارچوب قانونی جامع است که بر
 همه اعمال فرد در جامعه و به‌طور کلی در جهان
 حکومت می‌کند. مثلاً در سطح اجتماعی و
 جمعی، این اصل عقیدتی از روی قاعده مسجد،
 در جوامع اسلامی به‌مورد اجرا درآمده است. از
 زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله)، مسجد،
 یک مجرای مهم و اصلی ارتباطات اجتماعی و
 عمومی و همیشه محور حرکت‌های معنوی و
 فرهنگی بوده است. مسجد نه فقط نقش تهذیب
 نفس، بلکه نقش کسب دانش و اطلاعات امور
 عمومی را انجام داده است. در مصر، ایران،
 اسپانیا و بسیاری از قسمت‌های آسیای مرکزی
 و سایر مناطق اسلامی، مساجد و دانشگاه‌های
 مهم در کنار یا داخل یکدیگر وجود داشتند.
 درواقع، مساجد، مراکز آموزش عالی و ارتباطات
 جمعی در سنت اسلامی بودند. امروز، در تعدادی
 از جوامع اسلامی، سیستم‌های ارتباطات
 دسته‌جمعی نوین به‌خوبی در داخل سیستم‌های
 کلاسیک و سنتی ارتباط اجتماعی مسجد،
 به‌ویژه نمازهای جمعه به‌هم پیوسته‌اند. نتیجه

استقلال مطبوعات و رسانه‌های اسلامی تحت اصل امانت اقتضا می‌کند
 که مرعوب نیروهای استکباری نبوده، ماهیت پروپاگاندا سلطه‌جویان
 را بشناسند، در صحنه بین‌المللی و جهانی به‌خصوص در سرزمین‌های
 امت اسلامی حاضر باشند، با سرمایه‌گذاری و زیرساخت ارتباطاتی و با
 بالابردن حرفه روزنامه‌نگاری و آموزش و پرورش اصیل و نه تقلیدی،
 امنیت مالی و فکری اعضای خود را تأمین و تضمین نموده، از وابستگی
 خبری و اطلاعاتی رهایی یابند.

آن، به وجود آمدن سطحی عالی از سازمان‌دهی و بسیج است که جریان شرکت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را فوق‌العاده مؤثر می‌کند. اینجاست که مفهوم «شهادت» در اسلام و همچنین مفهوم «جهاد» در صورتی می‌تواند درک شود که اصل عقیدتی امر به معروف و نهی از منکر - که به‌طور خلاصه بیان شد - به طرز صحیح ادراک شود. واژه «اسلام» از کلمه عربی «سلم» به معنی تسلیم و صلح یا تسلیم صلح‌آمیز در مقابل خواست خداوند است. بنابراین، مفهوم شهادت، مثل سایر مفاهیم اسلامی به تمامی به مفهوم توحید یا وحدت مطلق خداوند و جهان مربوط است. در این معنی، میان مسئولیت اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» و مفهوم «جهاد» به هیچ وجه فاصله‌ای نیست. بدین‌سان از یک دیدگاه اسلامی و چارچوب اخلاقی، شهادت و جهاد صرفاً می‌توانند بر حسب میانجی‌گری و وساطت تشریح شوند.

و مفهوم‌هایی چون: «جهاد روزنامه‌نگاری» و «گزارش‌دهی یا خبرنگاری تفتیشی و بررسی عمقی» نهاده شده، معیار و شاخص روزنامه‌نگاری و مطبوعات «خوب» شناخته شده است. مفهوم «جهاد روزنامه‌نگاری» در فرهنگ مطبوعاتی انگلوساکسن به «کروسیدژورنالیسم» معروف است و لغت «کروسید» در تاریخ به جهاد مسیحیان علیه مسلمانان در جنگ‌های صلیبی قرون دهم تا سیزدهم میلادی اطلاق می‌شود. در دهه‌های اخیر روزنامه‌نگاری مطبوعاتی و رسانه‌ای در دنیای غرب بر معیار «جهاد روزنامه‌نگاری» و «خبرنگاری تفتیشی» و «گزارش‌دهی عمقی» در حمایت از ارزش‌های متداول در جوامع آنها تعیین و ارائه شده است. متأسفانه در ممالک اسلامی بسیاری از مطبوعات و روزنامه‌نگاران و حتی دانشکده‌های روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی به علت تهاجم فرهنگی و شیفتگی و خودباختگی به غرب و به علت عدم ترویج تاریخ و اصول

مطبوعات و رسانه‌های اسلامی باید موثق بوده، خلاقیت و نوآوری داشته، با فرهنگ اسلامی کاملاً آشنا بوده و با جاذبه، به مسائل واقعی جامعه یا امت بزرگ اسلامی توجه داشته باشند.



جالب اینکه تئوری «مسئولیت اجتماعی» مطبوعات در غرب - به‌ویژه در آمریکا و اروپای غربی - بیش از نیم‌قرن عمر ندارد و پدیده‌ای است که پس از جنگ دوم در پاسخگویی به ضعف لیبرالیسم و جلوگیری از هجوایات مطبوعات و رسانه‌ها در نتیجه رشد و نمو سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی به وجود آمد. تئوری «مسئولیت اجتماعی» مطبوعات و روزنامه‌نگاری در غرب یک دکترین بسیار کلی و غیر روشن است که به خود مطبوعات و روزنامه‌نگاران واگذار شده، بدون آنکه مرزهای اجتماعی آن، تعریف شود. جالب‌تر این که اصل «مسئولیت اجتماعی» که در دهه‌های اخیر به صورت یک تئوری جدید در غرب ارائه شده است و در کتاب‌های درسی روزنامه‌نگاری آنها در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، بر چند عملکرد روزنامه‌نگاری از جمله واژه‌ها

اسلامی و ناآشنایی به فرهنگ خود، مبلّغ و مقلد بدون انتقاد اصول مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری، از جمله تئوری مسئولیت اجتماعی مطبوعاتی غرب شده‌اند. سومین مفهوم اساسی در تعیین ماهیت و حدود مطبوعاتی اسلامی - به‌ویژه که به زندگی سیاسی فرد و جامعه اسلامی مربوط باشد - «امت» یا جامعه است. مفهوم امت بالاتر از مرزهای ملی و حدود سیاسی است. جامعه اسلامی بالاتر از مفهوم سیستم حکومت متشکل از یک ملت/ دولت است. جامعه اسلامی یک مفهوم دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و فقط وقتی موجود است که از اسلام تغذیه شود و اسلام بر آن حکومت کند. مفهوم جامعه در اسلام تفاوت زیادی بین عمومی و خصوصی قائل نمی‌شود، بنابراین آنچه به‌طور کلی از جامعه

انتظار می‌رود، به همان ترتیب از فرد عضو جامعه هم انتظار می‌رود. به این ترتیب، امت باید نمونه و عالی‌ترین معیارهای رفتار و عمل را به‌وجود آورد و نقطه عطف برای دیگران باشد. امت باید از افراط، تفریطها و اسرافها اجتناب کند، ثابت‌قدم و دارای پشتکار باشد، بداند که چه چیزی را قبول و چه چیزی را رد کند و دارای اصول باشد و در عین حال با جنبه متغیر زندگی تطبیق‌پذیر باقی بماند.

در تحت مفهوم امت، نژاد به‌عنوان یک پایه حکومت پذیرفته نیست. ارزش‌ها پیرو تقوی هستند و سیستم اجتماعی اسلام براساس برابری، عدالت و مالکیت مردم قرار دارد. هیچ فرد یا طبقه‌ای از افراد وجود ندارد که بتواند بر حکومت مسلط شود یا آن را استثمار و فاسد کند. هدف و تأکید بر منافع امت اسلامی است، نه منافع ملی امروزی به معنی ملی‌گرایی. در اسلام تناقضی بین منافع میهن اسلامی و امت یا جامعه بزرگ اسلامی وجود ندارد. اسلام حقوق ملیتها را شناخته و به آنها احترام می‌گذارد، ولی علیه ملی‌گرایی است که بر پایه نژاد و زبان و مرزهای سیاسی بنا شده است. ارتباطات بین فرهنگی و بین‌المللی (در اینجا تأکید بر ملیت است و نه بر حکومت متشکل از یک ملت) اجزای ضروری امت اسلامی و مطبوعات و رسانه‌های اسلامی هستند. بنابراین دیدگاه مطبوعات و رسانه‌های اسلامی یک دیدگاه جهانی است. **قرآن مجید** در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: **أَنَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ.** (همانا ما شما را نخست از مرد و زن آفریدیم و آنگاه به ملیت‌های بسیار و قبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید نه اینکه از یکدیگر متنفر باشید. به درستی که گرامی‌ترین شما در نزد پروردگار پرهیزگارترین شماست.)

در امت اسلامی، حاکمیت «دولت» به خداوند تعلق دارد و نه به حاکم و نه حتی به خود مردم. حاکم یا رهبران فقط مجریان عاملی هستند که مردم آنها را انتخاب می‌کنند تا طبق قانون اسلام و مفهوم توحید به آنها خدمت کنند. بنابراین دول ممالک اسلامی‌ای که منتخب مردم نبودند، طبق موازین اسلامی تعیین نشده، موروثی و سلطنتی بوده، یا به زور و به ناحق به مردم تحمیل شده و حکومت می‌کنند، جزئی از جامعه خویش و امت اسلامی محسوب نمی‌شوند.

در حکومت اسلامی و در مطبوعات و رسانه‌های اسلامی، لازم است که هر یک از

اتباع بهترین پند و توصیه خود را در مورد امور مشترک بدهد و باید حق این کار را داشته باشد. بنابراین، شیوه‌های شورایی در سیاست، مطبوعات و رسانه‌ها نه تنها مورد تصدیق قرار دارند، بلکه وظیفه اخلاقی حاکم و مردم هستند. به‌علاوه، انسان، برطبق اسلام دارای آزادی و اراده است، به طوری که با دخالت در پیاده‌کردن معیارهای جامعه یا به‌کاربردن خلاقانه آن معیارها مطابق با قرآن و سنت می‌تواند آینده بهتری را برای خود و جامعه طرح‌ریزی و پایه‌گذاری کند. بنابراین مطبوعات و رسانه‌های اسلامی باید موثق بوده، خلاقیت و نوآوری داشته، با فرهنگ اسلامی کاملاً آشنا بوده و با جاذبه، به مسائل واقعی جامعه یا امت بزرگ اسلامی توجه داشته باشند. چهارمین مفهوم مطبوعات اسلامی، اصل «تقوی» است. ترجمه تقریبی تقوی پارسایی و پرهیزگاری است و در جوامع اسلامی، این مفهوم به‌صورت معمول در اشاره به ترس فردی از خداوند و توانایی شخص در حفظ خود، در مقابل نیروهای غیراخلاقی که ممکن است محیط را احاطه کرده باشند، به کار می‌رود. گرچه مفهوم تقوی ماورای این مفهوم عربی پارسایی است. تقوی عبارت است از توانایی فردی، معنوی، اخلاقی و روانی برای رسیدن به آن سطح عالی که شخص را تقریباً از تمایلات مادی دنیا مصون می‌سازد و او را به سطح بالای خودآگاهی پیامبرانه می‌رساند. مطبوعات و رسانه‌های اسلامی تحت اصل تقوی حفظ آزادی کرده، سازش‌ناپذیر هستند؛ متملق و ثناگو نبوده، انتقادپذیر هستند.

عقیده بر این است که انسان‌ها در طبیعت خود، دارای یک‌سری عناصر الهی‌اند که این عناصر غیر از اجزای موجود در حیوانات، گیاهان و اشیای بی‌جان هستند. انسان‌ها دارای عظمت درونی و شرافت هستند. با شناخت این حقیقت که آزادی انتخاب یک شرط برای انجام وظیفه است، شخص (مرد یا زن) در چارچوب اخلاقی اسلامی مسئول انجام وظایف خود است. مثلاً روزه، اصلی است که ملت‌های مختلف در دوران و مکان‌های مختلف به آن عمل کرده‌اند. در دوران جدید، روزه دو شکل افراطی و تفریطی یا تشریفاتی یا اعتصاب غذا یا رژیم‌گرفتن را پیدا کرده است، ولی روزه اسلامی در این معنی فرق می‌کند. روزه اسلامی اگر از تقوی ناشی نشده و به آن (تقوی) منجر نشود، نمی‌توان آن را روزه تلقی کرد.

قرآن مجید در آیه ۱۸۳ سوره بقره می‌فرماید:

با نظریه
توحید، یکی از
اساسی‌ترین
پایه‌های اخلاقی
مطبوعات و
روزنامه‌نگاری
به وجود می‌آید؛
مقصود خلقت،
آزادی و رهایی
نوع بشر از قید
بندگی غیر خدا و
ستایش خداوند
است. این مشخص
می‌کند که بندگی
فقط باید در مقابل
خداوند باشد و
هرگونه ارتباطات
و پیام‌های فکری،
فرهنگی، اقتصادی
یا سیاسی را نفی
می‌کند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض شد، چنان که امم گذشته را فرض شد [و این دستور برای آن است] که پاک و پرهیزگار شوید.)

روزنامه‌نگاری، مقاله‌نویسی، گزارش‌نویسی و تحلیل و تفسیر روز در مطبوعات و رسانه‌های اسلامی باید با نیت و روح تقوی آمیخته و همراه باشد.

در سطح رهبری امت و جامعه، این سطح بالایی از تقوی است که باید بیش از همه بر آن ارزش گذاشته شود و بیش از همه به حساب آید. اگر دانش، توانایی، مدیریت، علم، مهارت‌های ارتباطی و... با تقوی همراه نباشند، نمی‌توانند و نباید به‌عنوان تنها معیارهای ترقی در یک زمینه اسلامی وجود داشته باشند. در سنت اسلامی، رفتار سیاست و روزنامه‌نگاری با تقوی همراه است و آنهایی که دارای درجه‌ای از تقوی نیستند، با بحران مشروعیت روبه‌رو شده‌اند.

پنجمین اصل که باید چارچوب مطبوعات و رسانه‌های اسلامی را تشکیل دهد، مفهوم اسلامی «امانت» است. واژه امانت مسئولیت بزرگی را نشان می‌دهد؛ مسئولیت مقدس و سنگینی که خداوند به دوش انسان گذاشته است. با اصل امانت است که مطبوعات و رسانه‌ها در یک جامعه اسلامی باید وظیفه اطلاع‌رسانی و ارشاد خود را انجام دهند. تحت عنوان امانت است که تکالیف و حقوق مطبوعاتی پاسداری می‌شوند. درحقیقت امانت انجام فرایض اسلامی است و امانت به افراد و نهادهایی واگذار می‌شود که توانایی معنوی و مادی اجرای این عمل را تحت قوانین اسلامی داشته باشند. مطابق این اصل، مطبوعات در یک امت اسلامی باید امانت‌دار جامعه و آیین خداوندی باشند. ادای امانت یک وظیفه اخلاقی مطبوعات و رسانه‌هاست. غرض‌ورزی شخصی، انتقام‌گیری، تخریب، سودگری مالی و ثروت‌افزونی، مباحثات و فخرفروشی، سخریه و استهزا، در مطبوعات و رسانه‌های اسلامی جایی ندارد. استقلال مطبوعات و رسانه‌های اسلامی تحت اصل امانت اقتضا می‌کند که مرعوب نیروهای استکباری نبوده، ماهیت پروپاگاند سلطه‌جویان را بشناسند، در صحنه بین‌المللی و جهانی به‌خصوص در سرزمین‌های امت اسلامی حاضر باشند، با سرمایه‌گذاری و زیرساخت ارتباطاتی و با بالا بردن حرفه روزنامه‌نگاری و آموزش

و پرورش اصیل و نه تقلیدی، امنیت مالی و فکری اعضای خود را تأمین و تضمین نموده، از وابستگی خبری و اطلاعاتی رهایی یابند.

مطبوعات و رسانه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و فنی و فلسفی یک نظام و جامعه اسلامی باید مبتکر بوده، به رشته خود تسلط داشته، اعتمادبه‌نفس را حفظ کرده، مترجم بی‌چون و چرا و مقلد و به اصطلاح معمول «میرزابنویس» فلسفه و عقاید و داستان‌های دیگران نباشند.

متفکران و فلاسفه مسلمان در سراسر تاریخ نه‌تنها اهمیت اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و نشریات را در تعیین چهره فرهنگی تمدن اسلامی شناخته، تصدیق کرده‌اند، بلکه موازنه مساعد تمایلات دنیوی و آسمانی در اسلام را یک حقیقت درک‌شده دانسته‌اند. گرچه در قرن اخیر و به‌ویژه در طی چهار دهه آخر آن، در نتیجه ورود قالب ملی‌گرایی دنیوی و مفاهیم جدید وارداتی بدون معیار و نقادی نشده از غرب و شیوه تبلیغ و اخلاق و آگاهی‌ای که به‌همراه آن آمد، یک ثنوی پرستی یا شرک و تناقضی را در کشورهای اسلامی به‌وجود آورده است، در نتیجه تضاد میان «فرهنگ رسمی» گروه حاکم که اکنون در بسیاری از موارد نماینده و حامی و منتشرکننده نفوذ غربی هستند و «فرهنگ اصیل سنتی اسلامی» توده‌ها، که ریشه در قرن‌ها تجربه دینی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی دارد، بحران مشروعیتی به‌وجود آورده است.

این ارتباطات و تضاد اخلاقی در ساخت و استفاده از وسایل ارتباطی موجود بیش از هر مورد، نمایان است. به‌نظر می‌رسد که اکثر شواهد بر این دلالت دارد که جوامع مسلمان به‌طور کلی و مثبت به اخلاق مطبوعاتی و ارتباطی مدرن که از خارج وارد فرهنگشان شده، پاسخ نداده‌اند. در دنیای اسلام سیستم‌های سیاسی و ارتباطی تحمیلی غرب، پایگاه مردمی به‌دست نیاورده است. برعکس چنین سیستم‌های سیاسی و ارتباطی به‌طور روزافزون استبدادی و دیکتاتوری شده‌اند.

پرسشی که روزنامه‌نگاران مسلمان امت اسلامی باید به آن پاسخ دهند، این است که چگونه می‌توان به بهترین نحو تحولات بنیادی و تشکیلات نهادی به‌وجود آورد که به حفظ موازنه پردازش ارتباطات و اخلاق که به‌صورت سنتی بخشی از تمدن اسلامی بوده است، کمک کند؟